آثار تقوا از منظر آیات و روایات

الهام هاتفی[1]
فاطمه دلشب

چکیده
تقوابهترین ذات وتوشه برای قیامت است وانسان را به سعادت می رساند تقواباعث دورشدن ازآلودگی‌ها می‌شودورستگاری رابه دنبال داردپژوهش به روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از متون اسلامی و کتابخانه‌ای ارائه شده است تقوا از منظرآیات و روایات دردوحیطه فردی و اجتماعی مورد بررسی قرارگرفته شده است آثار فردی تقوا تقوا در امتحان تقوا از قیامت تقوا و اهمیت آن تقوا مانع آدمی ازکم فروشی آثار اجتماعی تقوا که دراجتماع مطرح است تقوا در گواهی تقوا در حجاب تقوا مانع دین فروشی وخودفروشی مورد بررسی قرار گرفته است

کلید واژه:
تقوا؛ قیامت؛ ایمان؛ رستگاری؛ هدایت؛

[1] طلبه حوزه علمیه فاطمیه اشکذر،۰۹۹۱۳۵۳۲۹۲۷

مقدمه

درقرآن واژه تقوا ۱۷ بارومشتقات آن بیش از ۲۰۰ بار آمده تقوا در قرآن به چند معنا به کار رفته است ما باید درتمام کارهایمان تقوا داشته باشیم که بهترین زادوتوشه برای انسان درقیامت است امام علی علیه السلام می‌فرمایند التقی سابق الی کل خیر تقوا پیشه برای انجام هر کار خیری سبقت می‌گیرد درمتون اسلامی تقوا به عنوان یک هدف ارزشمند مطرح شده تقوا باعث سعادت انسان‌ها در دنیا وآخرت می‌شود درقرآن برتقوا تاکید زیادی شده و با نداشتن تقواانسان‌ها هرکاراشتباهی راانجام می‌دهندهمانطور که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند پرهیزکاری پیشوای اخلاقیات است وایمان بدون تقواسودنمی‌دهد

آقای هدایت الله خسروشاهی درسال ۱۳۸۳در پایان نامه خود با عنوان تقوا از منظر تفاسیر انسانی و آقای عظیم الله نبیلو در سال ۱۳۹۶ در مقاله خود به بررسی رابطه متقابل تفکر و تقوا در قرآن کریم به چاپ رسیده است این مقاله در مورد آثار فردی و اجتماعی تقوا ازمنظر آیات و روایات است در این مقاله که آثارتقواازمنظرآیات وروایات نام دارد در دو بعد آثار فردی و اجتماعی تقوا مورد بررسی قرارگرفته است محتوای این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از متون اسلامی و کتابخانه‌ای ارائه شده است

مفهوم شناسی

معنای لغوی تقوا

[اسم] [فارسی] - مأخوذ از تازی - پرهیزگاری و ترس از خدا
و زریو.

تقوا در اصطلاح

تقوا: پرهیز از گناه. تقوا صفتی است که انسان را از گناه و نافرمانی خداوند متعال باز می‌دارد و بر طاعت و بندگی او برمی‌انگیزد. به شخص متّصف به این صفت متقی گفته می‌شود. از آن به مناسبت دربابهای اجتهاد و تقلید، صلات و جهاد سخن رفته است. حکم: صفت تقوا محبوب وممدوح خداونداست و در قرآن کریم بهترین توشهٔ آخرت دانسته(۱)و در روایات به آن بسیار سفارش شده است.(۲)توصیه به تقوا درخطبهٔ نماز جمعه برامام جمعه واجب است (۳)(← نماز جمعه). درصورت مساوی بودن دو مجتهدازنظرعلمی، با تقواتربودن یکی ازآنان از اسباب ترجیح تقلید به شمارمی‌رود. (۴) همچنین پرهیزگارتر بودن در فرض تعدّد امام جماعت و اختلاف نمازگزاران در تقدیم یکی از آنان، جزء اسباب تقدیم و ترجیح شمرده شده است

ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ(٢)
در [وحی بودن و حقّانیّت] این کتابِ [با عظمت] هیچ شکی نیست؛ سراسرش برای پرهیزکاران هدایت است
(ترجمه حسین انصاریان)
متقین دارای دو هدایتند هم چنان که کفار و منافقین در دو ضلالت می باشند (هُدىً لِلْمُتَّقِينَ ، اَلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ) الخ، متقین عبارتند از مؤمنین، چون تقوی از اوصاف خاصه طبقه معینی از مؤمنین نیست، واینطور نیست که تقوی صفت مرتبه ای از مراتب ایمان باشد، که دارندگان مرتبه پائین تر، مؤمن بی تقوی باشند، و در نتیجه تقوی مانند احسان و اخبات و خلوص، یکی از مقامات ایمان باشد، بلکه صفتی است که با تمامی مراتب ایمان جمع میشود، مگر آنکه ایمان، ایمان واقعی نباشد دلیل این مدعا این است: خدای تعالی دنبال این کلمه، یعنی کلمه (متقین)، وقتی اوصاف آن را بیان می کند، از میانه طبقات مؤمنین، با آن همه اختلاف که در طبقات آنان است، طبقه معینی رامورد نظر قرار نمیدهد، و طوری متقین را توصیف نمیکند که شامل طبقه معینی شود
وَ عَنْهُ ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ اَلدَّقَّاقُ (رَضِيَ اَللَّهُ عَنْهُ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اَللَّهِ اَلْكُوفِيُّ ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ اَلنَّخَعِيُّ ، عَنْ عَمِّهِ اَلْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي اَلْقَاسِمِ ، قَالَ: سَأَلْتُ اَلصَّادِقَ (عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ) عَنْ قَوْلِ اَللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: الم ذٰلِكَ اَلْكِتٰابُ لاٰ رَيْبَ فِيهِ هُدىً لِلْمُتَّقِينَ اَلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ﴿﴾ فَقَالَ: «اَلْمُتَّقُونَ: شِيعَةُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ) ، وَ اَلْغَيْبُ فَهُوَ اَلْحُجَّةُ اَلْغَائِبُ ، وَ شَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: وَ يَقُولُونَ لَوْ لاٰ أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا اَلْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا

إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ اَلْمُنْتَظِرِينَ ﴿﴾ » .
و بر او گفت: علی بن احمد بن محمد الدقاق (رضی الله عنه) برای ما روایت کرد، گفت: محمد بن ابی عبدالله کوفی برای ما روایت کرد، گفت: هود موسی بن عمران آل. نخعی از عمویش حسین بن یزید از علی بن ابی حمزه از یحیی بن ابی القاسم برای ما روایت کرده گفت: از صادق (علیه السلام) سؤال کردم. او) درمورد کلام خداوند متعال: «این کتابی است که درآن هیچ شکی نیست، هدایتی است برای صالحان، آنها به غیب ایمان می آورند، می فرماید: «صالحین: شیعیان علی علیه السلام. و غیب دلیل غایب است، و این را می‌گوید خداوند متعال می‌فرماید: «اگر نشانه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی‌شد، بگو غیب از آن خداست». پس صبر کن، من با تو از منتظران هستم.»

گفتار اول،آثار فردی تقوا

پرهیزکاری خویشتن داری در برابر خواهش‌های نفسانی پرهیز از موجبات خشم خدا راتقوا می‌گویند تقوا دارای آثار فردی هست که انسان با داشتن و رعایت تقوا می‌تواند به رستگاری برسد چند مورد آن بررسی شده است

۱.تقوا در امتحان

لَتُبۡلَوُنَّ فِيٓ أَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡ وَلَتَسۡمَعُنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ مِن قَبۡلِكُمۡ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشۡرَكُوٓاْ أَذٗى كَثِيرٗاۚ وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ١٨٦
یقیناً در اموال و جان هایتان امتحان خواهید شد، و مسلماً از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی به آنان داده شده و [نیز] از کسانی که شرك آوردند، سخنان رنج آور بسیاری خواهید شنید، و اگر [در برابر آزار اینان] شکیبایی ورزید و [از تجاوز از حدود الهی] بپرهیزید [سزاوارتر است] این اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است

ترجمه حسین انصاریان
لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوٰالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ کلمه ابلا که مصدر فعل مجهول تبلوون است، به معنای آزمایش است، خدای تعالی بعد از آنکه جاری شدن سنت بلا و ابلا را بر مؤمنین ذکر کرد و بعد ازآنکه گفتار یهود را که می توانست باعث سستی عزم مؤمنین شود خاطر نشان ساخت، اینك در این آیه به ایشان خبرمی دهد به اینکه این بلای الهی و این سخنان دردآور اهل کتاب و مشرکین درباره مؤمنین تکرار خواهد شد و بزودی مؤمنین با این سخنان بسیار روبرو می شوند، تا جایی که گوششان پر شود، پس بر مؤمنین است که در برابر آن بلای الهی و این گونه سخنان اهل کتاب و مشرکین صبر کنند، و تقواپیشه سازند، تا خدای تعالی از لغزش و سستی حفظشان فرماید، وهم

چنان دارای عزم و اراده بمانند و این خود اخبار قبل از وقوع است، تا استعداد و نیروی خود را برای بر خورد با آن آماده سازند، و روغن آن را بر تن خود بمالند و در جمله: وَ لَتَسْمَعُنَّ أَذىً كَثِيراً بجای اینکه بفرماید از اهل کتاب چه ها خواهید شنید، شنیدنیها را نام نبرد و، بجای آن کلمه اذی کثیرا را آورد، و فرمود بزودی از اهل کتاب اذیت ها بسیار خواهید شنید، و این از باب به کار بردن اثر است مجازا در جای مؤثرانفاق ، عرصه آزمایش مالی مؤمنان و جهاد ، عرصه آزمایش جانی آنان

لتبلونّ فی اموالکم وانفسکم با توجّه به آیات پیشین که درباره جهاد و انفاق بود، می تواند امتحان مالی، ناظر به انفاق وامتحان جانی، ناظر به جهاد باشد.

صبر و مقاومت ، حتّی در برابر دشمن ، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد .

و لتسمعنّ . .. اذًی کثیراً و ان تصبروا و تتّقوا

از ذکر تقوا پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیّتهای دشمن نباید دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۶

انسانها درزندگی دراموال جان هایشان آزمایش میشونداگرصبرو شکیبایی کنند در امتحان الهی پیروز می‌شوند و و پاداش می‌گیرند واگر ناشکری کنند وشرک بورزند دردنیا سختیمی‌کشنددرآخرت عذاب کار خود را می‌بینند

۲.تقوا از قیامت

وَاتَّقُواْ يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَٰعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ۴۸

و ازروزی پروا کنید که نه کسی ازکسی عذابی را دفع می کند، و نه از کسی شفاعتی می پذیرند، و نه از کسی [در برابر گناهانش] فدیه و عوضی می گیرند، و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] یاری می شوند

ترجمه حسین انصاریان

بیان نظام زندگی دنیا بر اساس اسباب و وسائط و شفعاء می گردد (وَ اِتَّقُوا يَوْماً لاٰ تَجْزِي) الخ، پادشاهی وسلطنت دنیوی ازهرنوعش که باشد، و با جمیع شئون و قوای مقننه، و قوای حاکمه، و قوای مجریه اش، مبتنی بر حوائج زندگی است، و این حاجت زندگی است که ایجاب می کند چنین سلطنتی و چنین قوانینی بوجود آید، تا حوائج انسان را که عوامل زمانی و مکانی آن را ایجاب می کند بر آورد بهمین جهت چه بسا میشود که متاعی را مبدل بمتاعی دیگر، و منافعی را فدای منافعی بیشتر، و حکمی را مبدل بحکمی دیگر می کند، بدون اینکه این دگرگونیها در تحت ضابطه و میزانی کلی در آید، و بر همین منوال مسئله مجازات متخلفین نیز جریان می یابد، با اینکه جرم و جنایت را مستلزم عقاب میدانند، چه بسا از اجراء حکم عقاب بخاطر غرضی مهم تر، که یا اصرار و التماس محکوم بقاضی، و تحریك عواطف او است، و یا رشوه است، صرفنظر کنند، و قاضی بخاطر عوامل نامبرده بر خلاف حق حکم براند، و تعیین جزاء کند، و یا مجرم پارتی و شفیعی نزد او بفرستد، تا بین او و خودش واسطه شود، و یا اگر قاضی تحت تاثیر اینگونه عوامل قرار نگرفت، پارتی و شفیع نزد مجری حکم برود، و او را از اجراء حکم باز بدارد، و یا در صورتی که احتیاج حاکم بپول بیشتر از احتیاجش بعقاب مجرم باشد، مجرم عقاب خود را با پول معاوضه کند، و یا قوم و قبیله مجرم بیاری او برخیزند، و او را از عقوبت حاکم برهانند، و عواملی دیگر نظیر عوامل نامبرده، که احکام و قوانین حکومتی را از کار می اندازد، و این سنتی است جاری، و عادتی است در بین اجتماعات بشری

۱)عیاشی،از هارون بن محمّد حلبی روایت کرده است که او گفت:از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام درباره کلام خداوند متعال: يٰا بَنِي إِسْرٰائِيلَ پرسیدم،ایشان فرمود:آن،فقط مخصوص ماست ۲)از محمّد بن علی روایت شده است که گفت:از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام درباره کلام خداوند متعال: يٰا بَنِي إِسْرٰائِيلَ پرسیدم،ایشان فرمود: آن،مخصوص خاندان محمّد صلّی اللّه علیه و آله است ۳)از ابی داود،از کسی که فرمایش رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله را شنیده بود،روایت شده است که حضرت فرمود:من،بنده خدا هستم و اسمم احمد صلی اللّه علیه و آله است و نیز من،بنده خدا هستم و اسمم اسرائیل است هرچه را خداوند به او فرمان داده،به من فرمان داده است؛و هرکجا خداوند او را منظور داشته،مرا منظور داشته است ۴)حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام فرمود:خداوند عز و جل فرمود: يٰا بَنِي إِسْرٰائِيلَ اُذْكُرُوا نِعْمَتِيَ اَلَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ و موسی علیه السّلام و هارون را برای پیامبری به سوی پیشینیان شما فرستادم و این گونه ما آنان را به پیامبری محمّد صلّی اللّه علیه و آله و جانشینی علی علیه السّلام و امامت خاندان پاکش رهنمون شدیم و بر این امر از شما عهد و پیمانی گرفتیم که اگر به آن وفا کنید، پادشاهان بهشت و شایسته بخشش ها و شادمانی های آن خواهید شد «وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى اَلْعٰالَمِينَ » یعنی،با پیشینیان شما چنین کردم و آنان را در دین و دنیا برتری بخشیدم و امّا آنان را در دین برتری بخشیدم؛چرا که ولایت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و علی و خاندان پاك ایشان علیه السّلام را پذیرفتند؛و نیز در دنیا برترشان داشتم و ابرها را بر سرشان سایبان کردم و برایشان انگبین و عسل فروفرستادم و از سنگ،آبی گوارا به آنها نوشاندم و برایشان دریا را شکافتم

ترجمه حسین انصاریان
أَوْفُوا اَلْكَيْلَ وَ لاٰ تَكُونُوا مِنَ اَلْمُخْسِرِينَ وَ زِنُوا بِالْقِسْطٰاسِ اَلْمُسْتَقِيمِ کلمه کیل به معنای مقیاسی است که متاع را از نظر حجم با آن می سنجند و وفا کردن به کیل به این معناست که آن را کم نگیرند، و کلمه قسطاس به معنای ترازویی است که متاع را از نظر وزن با آن می سنجند، و استقامت قسطاس به این است که آن را عادلانه به کار بزنند و این دو آیه دستور می دهد به اینکه کم فروشی نکنند و در دادن و گرفتن کالا کیل و ترازو را درست به کار ببرند
. قال رسول الله (صلی‌الله علیه و آله):لا الرَّجُلُ مِنَ المُتَّقِينَ حَتّى يُحاسِبَ نَفسَهُ اَشَدَّ مِن مُحاسَبَهِ الشَّريكِ لِشَريكِهِ فَيَعلَمَ مِن اَينَ مَطعَمُهُ وَ مِن اَينَ مَشرَبُهُ وَ مِن اَينَ مَلبَسُهُ اَ مِن حِلٍّ ذلِكَ اَم مِن حَرامٍ؛ انسان از تقواپیشگان نیست مگر آن که سخت تر از حسابرسی شریک از شریک، از خود حساب بکشد و بداند خوردنی، نوشیدنی و پوشیدنی اش از کجاست آیا از حلال است یا حرام؟(الزهد ص ۱۷، ح ۳۷)
همه باید بدانند که در قیامت به همه کارها حسابرسی می‌شود فروشندگان نباید در اجناس خود کم فروشی کنندو تقوا داشته باشند ومال حرامی را وارد زندگی خود نکنند

گفتار دوم ،آثار اجتماعی تقوا

داشتن تقوا در اجتماع دارای اهمیت است با رعایت تقوا علاوه بر افزایش ایمان وسعادتمندی خود باعث رشدوهدایت دیگران می شود در این قسمت چند مورد از آثار اجتماعی تقوا بررسی شده است

۱.تقوا در گواهی

وَلۡيُمۡلِلِ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ وَلَا يَبۡخَسۡ مِنۡهُ شَيۡـٔٗاۚ فَإِن كَانَ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ سَفِيهًا أَوۡ ضَعِيفًا أَوۡ لَا يَسۡتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلۡيُمۡلِلۡ وَلِيُّهُۥ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَٱسۡتَشۡهِدُواْ شَهِيدَيۡنِ مِن رِّجَالِكُمۡۖ فَإِن لَّمۡ يَكُونَا رَجُلَيۡنِ فَرَجُلٞ وَٱمۡرَأَتَانِ مِمَّن تَرۡضَوۡنَ مِنَ ٱلشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ إِحۡدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحۡدَىٰهُمَا ٱلۡأُخۡرَىٰۚ وَلَا يَأۡبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُواْۚ وَلَا تَسۡـَٔمُوٓاْ أَن تَكۡتُبُوهُ صَغِيرًا أَوۡ كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقۡوَمُ لِلشَّهَٰدَةِ وَأَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَرۡتَابُوٓاْ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةٗ تُدِيرُونَهَا بَيۡنَكُمۡ فَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَلَّا تَكۡتُبُوهَاۗ وَأَشۡهِدُوٓاْ إِذَا تَبَايَعۡتُمۡۚ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٞ وَلَا شَهِيدٞۚ وَإِن تَفۡعَلُواْ فَإِنَّهُۥ فُسُوقُۢ بِكُمۡۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ۲۸۲
ای اهل ایمان! چنانچه وامی به یکدیگر تا سر آمد معینی دادید، لازم است آن را بنویسید و باید نویسنده ای [سَنَدش را] در میان خودتان به عدالت بنویسد و نباید هیچ نویسنده ای از نوشتن سند همان گونه که خدا [بر اساس قوانین شرعی] به او آموخته است، دریغ ورزد او باید بنویسد، و کسی که حقْ به عهدهٔ اوست باید [کلامش را جهت تنظیم سند برای نویسنده] املا کند، و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید و از حق چیزی را نکاهد و اگر کسی که حق به عهدهٔ اوست، سفیه یا ناتوان باشد، یا [به علتی] نتواند املا کند، ولیّ و سرپرست او به عدالت املا کند و دو شاهد از مردانتان را [بر این حق] شاهد بگیرید، و اگر دو مرد نبود، یك مرد و دو زن را از میان شاهدانی که می پسندید شاهد بگیرید، تا اگر یکی از آن دو زن [واقعیت را] فراموش کرد، آن دیگری او را یادآوری کند و شاهدان هنگامی که [برای ادای شهادت] دعوت شوند [از پاسخ دعوت] امتناع نورزند، و از نوشتن [سندِ وام] تا سرآمد معیّنش، کوچك باشد یا بزرگ، ملول نشوید، این [کار] نزد خدا عادلانه تر و برای اقامه شهادت پابرجاتر، و به اینکه [در جنس وام، اندازهٔ آن و زمان پرداختش] شك نکنید [و ستیز و نزاعی پیش نیاید] نزدیك تر است مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود دست به دست می کنید، در این صورت بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید و هرگاه داد و ستد کنید شاهد بگیرید و نباید به نویسنده و شاهد زیان برسد و اگر زیان برسانید، خروج از اطاعت خداست که گریبانگیر شما شده است و از خدا پروا کنید و خدا [احکامش را] به شما می آموزد و خدا به همه چیز داناست
ترجمه حسین انصاریان
بیان آیات بیان و توضیح دو آیه شریفه مربوط به احکام قرض و رهن يٰا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا إِذٰا تَدٰايَنْتُمْ کلمه تداین که مصدر تداینتم است به معنای قرض دادن و قرض گرفتن است، و کلمه املال و کلمه املاء هر دو به معنای این است که شما بگوئید و دیگری بنویسد، و کلمه بخس به معنای کم گذاشتن و حیف و میل کردن مال مردم است، و کلمه سامة که مصدر تساموا است به معنای خسته شدن است، و کلمه مضاره که مصدر لا یضار است به معنای ضرر زدن طرفینی است که هم در مورد دو نفر استعمال می شود، و هم در مورد جمعیت، و کلمه فسوق به معنای خارج شدن از اطاعت است، و کلمه رهان به معنای مالی است که به گرو گیرند، و به جای آن، کلمه رهن (به ضمه راء و ضمه هاء) نیز قرائت شده، و رهن جمع رهن است که آن نیز به معنای مالی است که به گرو گیرند و در جمله: فَإِنْ كٰانَ اَلَّذِي عَلَيْهِ اَلْحَقُّ سَفِيهاً می توانست بفرماید: فان کان سفیها ،چون ضمیر کان به اَلَّذِي عَلَيْهِ اَلْحَقُّ که در سابق آمده بود بر می گشت، و حاجت به تکرار آن نبود، و اگر آن را تکرار کرده برای این بوده که اشتباهی پیش نیاید، و کسی خیال نکند مرجع ضمیر، کلمه کاتب

است، که آن نیز در سابق ذکر شده بود و ضمیر هو که در جمله أَنْ یُمِلَّ هُوَ آشکارا آمده، با اینکه ممکن بود مستتر و در تقدیر بیاید، یعنی بفرماید: أن یمل ،برای این است که ولی سفیه و دیوانه و بی سواد را با خود آنان در املا شرکت دهد، چون این فرضیه با دو فرضیه قبلی فرق دارد، در آن دو فرض بدهکار خودش مستقلا مسئول بود، و اما در این صورت بدهکار با سرپرستش در عمل شریك است، پس گویا فرموده است: هر قدر از عمل املا را می تواند انجام بدهد، و آنچه را نمی تواند بر ولی او است که انجام دهد در جمله: أَنْ تَضِلَّ إِحْدٰاهُمٰا کلمه حذر مبادا در تقدیر است، و معنایش این است که: تا مبادا یکی از آن دو فراموش کند ،و در جمله إِحْدٰاهُمَا اَلْأُخْرىٰ ، دوباره کلمه احدیهما ذکر شده، و این به آن جهت است که معنای آن در دو مورد مختلف است: منظور ازاولی یکی از آن دو نفر است، بدون تعیین، و منظور از دومی یکی از آن دو نفر است بعد از فراموش کردن دیگری، و یا به عبارت دیگر آن کسی است که فراموش نکرده، پس معنای این کلمه در دو مورد مختلف است، و گرنه دومی را ذکر نمی کرد و به ضمیر آن اکتفاء می نمود و منظور از کلمه: و اتقوا این است که مسلمانان از خدا بترسند و اوامر و نواهی ذکر شده در این آیه را به کار ببندند، و اما جمله: وَ یُعَلِّمُکُمُ اَللّٰهُ وَ اَللّٰهُ بِکُلِّ شَيْ ءٍ عَلِیمٌ کلامی است نو، که در مقام منت نهادن ذکر شده، هم چنان که در آیه ارث منت نهاده می فرماید: یُبَیِّنُ اَللّٰهُ لَکُمْ أَنْ تَضِلُّوا پس مراد از جمله مورد بحث، منت نهادن بر مردم در مقابل این نعمت است که شرایع دین و مسائل حلال و حرام را برای آنان بیان فرموده استفاده نادرستی که از جمله اِتَّقُوا اَللّٰهَ وَ یُعَلِّمُکُمُ اَللّٰهُ شده است و اینکه بعضی گفته اند: جمله وَ اِتَّقُوا اَللّٰهَ و یُعَلِّمُکُمُ اَللّٰهُ دلالت دارد بر اینکه تقوا سبب تعلیم الهی است، درست نیست، برای اینکه هر چند مطلب صحیح است، و به حکم کتاب و سنت، تقوا سبب تعلیم الهی است، اما آیه مورد بحث در صدد بیان این جهت نیست، برای اینکه واو عطفی که بر سر آن آمده، نمی گذارد آیه چنین دلالتی داشته باشد، علاوه بر اینکه این معنا با سیاق آیه و ارتباط ذیل آن با صدرش سازگار نیست مؤید گفتار ما این است که کلمه اللّٰه دو بار تکرار شده، و اگر جمله مورد بحث، کلامی جدید نبود حاجت به تکرار کلمه اللّٰه نبود، بلکه سیاق و سبك کلام اقتضا می کرد بفرماید: و اتقوا و اللّٰه یعلمکم از خدا بترسید تا تعلیمتان دهد پس می بینیم اسم اللّٰه را دو بار آورده، برای اینکه در دو کلام مستقل می باشد، و برای بار سوم نیز ذکر کرده تا علت را برساند، و بفهماند خدا که شما را تعلیم می دهد به این جهت است که او به هر چیزی دانا است، و اگر او به هر چیزی دانا است، برای این است که اللّٰه است

قال رسول الله (صلی‌الله علیه و آله):اَتقَی النّاسِ مَن قالَ الحَقَّ فیما لَهُ و عَلَیهِ؛ باتقواترین مردم، کسی است که در آنچه به نفع یا ضرراوست،حق رابگوید.(امالی(صدوق) ص ۲۰؛ من لا یحضره الفقیه ج ۴، ص ۳۹۵)

ما انسان‌ها اگر در جایی به عنوان شاهد قرار بگیریم باید حقیقت را بگوییم تا هم خدا از ما راضی باشد و هم بنده‌ای که به نفع اوحقیقت را می‌گوییم

۲.تقوادرحجاب

وَقُل لِّلْمُؤْمِنٰتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصٰرِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَاۖ وَلْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُیُوبِهِنَّۖ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ ءَابَآئِهِنَّ أَوْ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَآئِهِنَّ أَوْ أَبْنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوٰنِهِنَّ أَوْ بَنِیٓ إِخْوٰنِهِنَّ أَوْ بَنِیٓ أَخَوٰتِهِنَّ أَوْ نِسَآئِهِنَّ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِینَ غَیْرِ أُوْلِی ٱلْإِرْبَةِ مِنَ ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفْلِ ٱلَّذِینَ لَمْ یَظْهَرُواْ عَلَىٰ عَوْرٰتِ ٱلنِّسَآءِۖ وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفِینَ مِن زِینَتِهِنَّۚ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِیعًا أَیُّهَ ٱلْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ۳۱

و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را [مانند لباس های زیبا، گوشواره و گردن بند] مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیداست [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه های خود را به روی گریبان هایشان بیندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان [هم کیش خود] شان، یا بردگان زر خریدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده لوح و کم عقل اند و نیاز شهوانی حس نمی کنند، یا کودکانی که [به سنّ تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی] نرسیده اند و زنان نباید پاهایشان را [هنگام راه رفتن آن گونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت هایشان پنهان می دارند [به وسیلهٔ نامحرمان] شناخته شود و [شما] ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید

حسین انصاریان

۱) محمّد بن یعقوب از محمّد بن یحیی،از احمد بن محمّد،از علیّ بن حکم، از سیف بن عمیره،از سعد اسکاف،از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:جوانی از انصار در مدینه با زنی روبرو شد در آن زمان،زنان از پشت گوش هایشان نقاب می زدند جوان به آن زن که از روبرو می آمد نگاه می کرد و هنگامی که زن از پیش روی او گذشت نیز همچنان به او چشم دوخته بود در این هنگام وارد کوچه ای به نام بنی فلان شده،از پشت به آن زن نگاه می کرد که در این حال استخوان یا شیشه ای که از دیوار بیرون آمده بود،صورتش را شکافت،وقتی زن رفت،آن جوان دید که خون بر سینه و لباسش ریخته،با خود گفت:به خدا سوگند نزد رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم رفته و ایشان را در جریان می گذارم چون به محضر پیامبر صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم رسید،پیامبر صلّی اللّٰه علیه

و آله و سلّم از او پرسید:چه شده است ؟جوان،حضرت را در جریان امر گذاشت،جبرئیل این آیه را بر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نازل فرمود «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصٰارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذٰلِكَ أَزْكىٰ لَهُمْ إِنَّ اَللّٰهَ خَبِيرٌ بِمٰا يَصْنَعُونَ » ۲)محمّد بن یعقوب:از علی بن ابراهیم،از پدرش،از بکر بن صالح،از قاسم بن برید،از ابو عمرو زبیری،از امام صادق علیه السّلام در حدیثی نقل کرده است که امام فرمود:خداوند واجب کرده که انسان به آنچه خدا بر او حرام کرده است، نگاه نکند و ازآنچه برای او حلال نیست،روی برگرداند و این همان عمل اوست که ناشی از ایمان است خداوند تبارك و تعالی فرموده است: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصٰارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ » مراد آن است که:خداوند مردان مؤمن را از نگاه کردن به عورت خود و برادرانشان نهی کرده و همین طور از آنان خواسته که اجازه ندهند که به عورت آنان نگاه شود و فرموده: «وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنٰاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصٰارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ » خداوند در این آیه به زنان دستور داده تا به عورت یکدیگر نگاه نکنند و عورت خود را پوشیده نگاه دارند تا دیگران عورت آنان را نبینند آن حضرت فرموده که در همه جای قرآن،منظور از حفظ فرج،حفظ کردن خود از زنا است جز این آیه که منظور حفظ کردن از نگاه است ۳)محمّد بن یعقوب:از شماری از اصحاب ما از احمد بن محمّد بن عیسی،از ابن محبوب،از جمیل بن درّاج،از فضیل بن یسار،روایت کرده که از امام صادق علیه السّلام پرسیدم که آیا ساعد زنان جزیی از زینت است آن طور که خداوند متعال می فرماید: «وَ لاٰ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاّٰ لِبُعُولَتِهِنَّ »؟ آن حضرت علیه السّلام در جواب فرمودند:بله،پایین تر از روسری و پایین تر از دست بند،جزء زینت است ۴)محمّد بن یعقوب:از محمّد بن یحیی،از احمد بن محمّد بن عیسی،از مروك بن عبید،از یکی از اصحاب ما،از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که از امام علیه السّلام پرسیدم برای

مرد نامحرم چه قسمت هایی از بدن زن نامحرم،حلال است که ببیند؟امام فرمود:صورت،پاها و دو کف دست ۵)محمّد بن یعقوب:از محمّد بن یحیی،از احمد بن محمّد بن عیسی،از محمّد بن خالد،و حسین بن سعید،از قاسم بن عروه،از عبد اللّه بن بکیر،از زراره، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که درباره «إِلاّٰ مٰا ظَهَرَ مِنْهٰا»، فرمود:منظور از زینت ظاهر،سورمه و انگشتر است ۶)محمّد بن یعقوب:از حسین بن محمّد،از احمد بن اسحاق،از سعدان بن مسلم،از ابو بصیر،از امام صادق علیه السّلام نقل کرده که از آن حضرت درباره سخن خداوند که می فرماید: «وَ لاٰ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاّٰ مٰا ظَهَرَ مِنْهٰا»، پرسید و ایشان در جواب فرمودند:منظور انگشتر و النگو است ۷)علی بن ابراهیم،از پدرش،از محمّد بن ابو عمیر،از ابو بصیر،از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که فرمود:در هر آیه از قرآن که نام فرج آمده،مراد از آن زنا است به جز این آیه که مراد،نگاه کردن است ازاین رو،برای مرد مؤمن، حلال نیست که به عورت مرد دیگری بنگرد و همین طور برای زن،حلال نیست که به عورت زن دیگری نگاه کند ۸)علی بن ابراهیم در روایتی از ابو جارود از امام صادق علیه السّلام نقل شده است که آن حضرت درباره آیه «وَ لاٰ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاّٰ مٰا ظَهَرَ» فرموده است: منظور از زینت های ظاهر،لباس،سورمه،انگشتر،حنای دست و دست بند است زینت بر سه قسم است:یکی زینتی که برای مردم است،دیگری برای محرم و سومی برای همسر است،اما زینت هایی که برای مردم است را بیان نمودیم و امّا زینت برای محرم،جای گردن بند و بالاتر از آن،جای النگو تا پایین تر از آن و جای خلخال تا پایین تر از آن است،و امّا زینت زن برای همسر،تمام بدن اوست « أَوْ مٰا مَلَكَتْ أَيْمٰانُهُنَّ أَوِ اَلتّٰابِعِينَ غَيْرِ أُولِي اَلْإِرْبَةِ مِنَ اَلرِّجٰالِ » (۳۱) [یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که(از زن)بی نیازند]

امام علي عليه السلام

افضَلُ العبادَةِ العِفافُ

عفت، برترین عبادات است.

الكافي، ج ۲، ص ۷۹

زنان باید برای رسیدن به رستگاری عفت و حیا داشته باشندوحجاب خود را رعایت کنندوبا بی حجابی هم خود رابه گناه می‌اندازند هم دیگران رابه گناه می اندازند

۳.تقوا مانع دین فروشی و خود فروشی

لٰكِنِ اَلَّذِينَ اَتَّقَوْاْ رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّـٰتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا اَلْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِندِ اَللَّهِ وَمَا عِندَ اَللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ۱۹۸

کسانی که از پروردگارشان پروا کردند [و فریفتهٔ زرق و برق زندگی مادی نشدند] برای آنان بهشت هایی است که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اند [این به عنوان آغاز] پذیرایی از سوی خداست، و آنچه [غیر از بهشت و نعمت هایش] نزد خداست، برای نیکوکاران بهتر است

ترجمه حسین انصاریان

لٰكِنِ اَلَّذِينَ اِتَّقَوْا رَبَّهُمْ کلمه نزل به معنای طعام و شراب و سایر ما یحتاجی است که برای مسافر قبل از آمدنش فراهم می کنند و مراد از کسانی که چنین وضعی دارند، ابرار است، بدلیل آخر آیه که می فرماید: آنچه نزد خدا است بهتر است برای ابرار و نیکان، و همین مؤید گفتار ما است که گفتیم آیه قبلی در مقام رفع و پیشگیری از یك توهم بیجا است

"قال رسول الله (صلی‌الله علیه و آله):مَن رُزِقَ تُقیً فَقَد رُزِقَ خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ؛ هر کس تقوا روزی اش شود، خیر دنیا و آخرت روزی او شده است.(نهج الفصاحه ص ۷۶۹، ح ۳۰۱۵)

کسانی که تقوا پیشه کنند فریفته دنیا نشوند خداوند بهشت را بآنها پاداش میدهد

نتیجه گیری

در این تحقیق سعی شده آثار فردی و اجتماعی تقوا بررسی شود نداشتن تقوا مقدمات ایمان را در انسان ضعیف می‌کند و به سمت گناه کشیده می‌شود تقوا انسان را با مسئولیت می‌کند و ایمان در قلب او رسوخ می‌کند و از گناه باز می‌دارد تقوادرسبک زندگی وآثارفردی و اجتماعی انسان اثر داردبهترین زادوتوشه برای قیامت تقواست انسان متقی راباهیچ قیمتی نمیتوان خرید تقوامانندلباس که انسان رامیپوشاندانسان راازبدی هابازمی داردانسان باداشتن تقوا به راه راست وصراط مستقیم راه میابد تقوادارای آثارفردی و اجتماعی است چندموردآن در مقاله آورده شده

آثارفردی تقواعبارت است ازتقوادرامتحان تقواازقیامت اهمیت تقواتقوامانع آدمی ازکم فروشی

آثاراجتماعی تقواعبارت است ازتقوادرگواهی تقوادرحجاب تقوا مانع دین فروشی خود فروشی

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱نویسنده: انصاریان، حسین ترجمه استاد حسین انصاریان، قم، انتشارات دار الصادقین، چاپ اول،۱۳۷۳ ،۲۵۰صفحه، وزیری.
۲انصاریان، حسین ،ترجمه ،حسین انصاریان تهران سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت ،۱۳۹۳ ش
۳علامه سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم،۱۳۷۹ ش.
۴نویسنده : العیاشي، محمد بن مسعود نام کتاب : تفسیر العیاشی جلد : ۲ صفحه : ۴۰
۵فرهنگ نفیسی، اثر علی‌اکبر نفیسی ج۲ص۹۴۰
۶کتاب «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام» جلد۲ صفحه ۵۸۴ تا۵۸۸؛ تالیف شده توسط جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی.

منابع عربی

۷ سیدهاشم بحرانی، موضوع البرهان فی تفسیر القرآن، قرن یازدهم، عربی، مذهب: شیعه، ناشر: بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ ق